

دکتر رابرت ای. پترسون، رستگاری، جلسه ۷، فرمول‌بندی‌های سیستماتیک انتخابات، شماره ۲

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد رستگاری است. این جلسه ۷، فرمول‌بندی‌های سیستماتیک انتخابات، شماره ۲ است.

ما در حال مطالعه آموزه رستگاری در کتاب مقدس، به ویژه اکنون آموزه انتخاب هستیم.

ما هنوز در حال پیگیری زمان انتخاب شدن هستیم، این واقعیت که قبل از خلقت است. دوم تیموتائوس نیز از انتخاب شدن قبل از خلقت صحبت می‌کند. خدا ما را نجات داد، نه بر اساس اعمال ما، بلکه بر ۱:۹ اساس هدف و فیض خود، که قبل از آغاز زمان در مسیح عیسی به ما عطا شده بود.

خداوند پیش از زمان، یعنی در گذشته‌های ازلی، به ما لطف نجات‌بخشی نسبت به خاصان خود عطا کرد. یک بار دیگر، گزینش پیش از زمان، مقدم بر ایمان ماست. مکاشفه دو بار از افرادی سخن می‌گوید که اگر نامشان در دفتر حیات، نقل قول از، از بنیان جهان نباشد، از وحش پیروی می‌کنند.

مکاشفه ۱۳:۸، همه کسانی که روی زمین زندگی می‌کنند، آن وحش را خواهند پرستید. هر کسی که نامش از بدو آفرینش جهان در دفتر حیات بره‌ای که ذبح شد، نوشته نشده بود. روش‌های مختلفی برای بیان این کلمات وجود دارد و من فعلاً به همین بسنده می‌کنم.

آن وحش، مکاشفه ۱۷:۸، آن وحش که دیدی، بود و نیست و در شُرُفِ برآمدن از هاویه و رفتن به سوی هلاکت است. کسانی که بر روی زمین زندگی می‌کنند و نامشان از بدو آفرینش جهان در دفتر حیات نوشته نشده است، وقتی آن وحش را که بود و نیست و می‌آید، ببینند، شگفت‌زده خواهند شد. داشتن نام در دفتر حیات به معنای ثبت شدن در شهر خداست، در حالی که حذف شدن نام به معنای ثبت نشدن است.

تجویحاً، جنبه‌ی مثبت، مانند جنبه‌ی منفی، از بنیان جهان، یعنی از خلقت، سرچشمه می‌گیرد. این واقعیت که تنها خدا پیش از خلقت، گزینش می‌کند و این کار را انجام می‌دهد، به این معنی است که گزینش و رستگاری پس از آن، همگی از جانب اوست، نه بر اساس ایمان یا اعمال پیش‌بینی‌شده‌ی انسان. این دقیقاً همان چیزی است که وقتی در مورد مبنای گزینش تحقیق می‌کنیم، درمی‌یابیم.

اساس گزینش، عشق و اراده‌ی خداست. کتاب مقدس همواره اساس گزینش را در خدا می‌داند، نه در ما. به طور خاص، اراده و عشق خدا را به عنوان زمینه و اساس گزینش معرفی می‌کند.

عهد عتیق بیان می‌کند که چرا خداوند اسرائیل را از میان تمام ملت‌های روی زمین برگزید. به همین دلیل، تنها اسرائیل متعلق به خداست. تثنیه ۷: ۶-۸ بیان می‌کند که خداوند، خدای شما، شما را از میان تمام قوم‌های روی زمین برگزیده است تا ملک خاص او باشید.

خداوند دلش به شما گرم بود و شما را برگزید، نه به این خاطر که از همه قوم‌ها بیشتر بودید، زیرا شما از همه قوم‌ها کمتر بودید، بلکه به این دلیل که خداوند شما را دوست داشت و به سوگندی که برای اجدادتان خورده بود، وفا کرد. تثنیه ۶: ۷-۸ عذرخواهی می‌کنم، قبلاً به اشتباه گفتم که این در تثنیه ۵ است. بله، آنها از همه قوم‌ها کمتر بودند. آنها مردی و همسرش بودند که از نظر داشتن فرزند تقریباً مرده بودند، ابراهیم و سارا.

اراده و عشق خدا پشت انتخاب اسرائیل بود. خدا مطمئناً اسرائیل را به این دلیل انتخاب نکرد که پیش‌بینی می‌کرد اسرائیل ایمان و اطاعت را به کار خواهد گرفت. زیرا او بارها بنی‌اسرائیل را به عنوان قومی سرسخت توصیف می‌کند.

خروج ۳۲:۹، ۳۳:۳ و ۵، ۳۴:۹، تثنیه ۹:۶ و تثنیه ۱۰:۱۳، ۱۶:۳۱، ۲۷. یک بار دیگر. خروج ۳۲:۹، ۳۳:۳، تثنیه ۹:۶ و ۱۰:۱۳، ۱۶:۳۱، ۲۷. او، نحمیا ۹:۱۶ و ۱۷ هم همینطور. استیفان هم از ۳۴:۹، ۳۳:۵، معاصران خود و هم از اجدادش صحبت می‌کند.

نقل قول، ای گردنکشان با قلب‌ها و گوش‌های نامختون. گوش‌های نامختون؟ شما همیشه در برابر روح‌القدس مقاومت می‌کنید، همانطور که اجدادتان نیز مقاومت می‌کردند. اعمال رسولان ۷:۵۱ پولس پرکارترین معلم کتاب مقدس در مورد برگزیدگی مسیحیان است.

و او اساس آن را در عشق و اراده خدا قرار می‌دهد. سه مثال کافی است. اول، در افسسیان ۱ می‌آموزیم که خدا ما را در عشق برگزید.

او ما را از پیش تعیین کرد تا از طریق عیسی مسیح، به عنوان پسران او، به فرزندی پذیرفته شویم. بر اساس هدف اراده‌اش، برای ستایش فیض باشکوهش. قبل از اینکه به جزئیات افسسیان ۱ نگاه کنم، باید به افسسیان ۱ نگاهی بیندازیم. سه متن بزرگ مربوط به گزینش، شایسته توجه ما هستند، پیش از آنکه الهیات را از آنها استخراج کنیم.

ریدریوس در کتابی یاد گرفتم که برایم بسیار مهم است. پولس، خلاصه‌ای از الهیات او

این متن بزرگ را به سه بخش تقسیم می‌کنیم. طبق ترجیح‌بند حرف اضافه، آیه ۶، به ستایش فیض باشکوه او. آیه ۱۲، به سمت انتها، به ستایش جلال او.

و در انتهای متن، به ستایش جلال او. اگر این کار را انجام دهیم، سه پاراگراف خواهیم داشت و من آنها را پاراگراف می‌نامم. پاراگراف اول، کار خدای پدر را برجسته می‌کند.

دومی، یعنی پسر، تنها جایی است که به رستگاری اشاره شده است. سومی تنها جایی است که به روح‌القدس اشاره شده است. پدر، آیات ۱:۶.

پسر، ۷:۱۲. روح‌القدس، ۱۳:۱۴. نه تنها این، بلکه پولس اعمال نجات را به هر یک از سه شخص تثلیثی نسبت می‌دهد.

کار پدر، گزینش است که در آیه ۱۱ از سر گرفته شده است. کار پسر، در آن پاراگراف میانی، رستگاری از طریق خون اوست. و روح‌القدس، نماینده پدر در مهر کردن قوم خداست.

او مهر است، روح‌القدس مهرکننده نیست. پدر مهرکننده است، کسی که اتحاد ما را در پسر مهر می‌کند. و مهری که به ما داده شده روح‌القدس است.

پدر، پسر، روح‌القدس، برگزیدگی یا تقدیر، رستگاری، مهر و موم. در این چارچوب، از جمله موارد دیگر، هماهنگی تثلیثی را می‌بینیم. پدر قومی را برمی‌گزیند و پسر قومی را رستگار می‌کند.

پدر همان افرادی را که ایمان می‌آورند با روح القدس خدا مَهر می‌کند. برگردیم به یادداشت‌هایمان، برگردیم به مطالب سخنرانی‌مان. در افسسیان ۱، می‌آموزیم که خدا ما را برگزیده است.

او در محبت، ما را از پیش تعیین کرد تا از طریق عیسی مسیح، بر اساس اراده‌ی خود، به عنوان پسران او به فرزندی پذیرفته شویم، برای ستایش فیض باشکوه او. چند آیه بعد، او می‌گوید که در مسیح، ما نیز میراثی یافته‌ایم، آیه‌ی ۱۱، زیرا ما بر اساس نقشه‌ی آن کسی که همه چیز را مطابق با اراده‌ی خود انجام می‌دهد، از پیش تعیین شده‌ایم. تعلیم پولس واضح و بی‌ابهام است.

خدا بر اساس عشق خود انتخاب می‌کند، آیه ۴. او در عشق، ما را برای فرزندخواندگی از پیش تعیین کرد. خدا ما را بر اساس هدف اراده خود انتخاب می‌کند. بار دیگر، همان کلمه، هدف، که در دوم تیموتائوس ۱:۹ یافتیم. پروتز.

در واقع، آیه ۱۱ به اندازه هر آیه دیگری در کتاب مقدس قوی است. در او، ما میراثی را به دست آورده‌ایم، از پیش مقدر شده‌ایم، و از این میراث، طبق هدف او که همه چیز را طبق رأی اراده خود انجام می‌دهد، بهره می‌بریم. وای! گزینش طبق اراده، هدف، نقشه و تدبیر خداست.

و این بر اساس عشق است. با انعکاس پیشینه عهد عتیق، هدف و عشق خدا دلیل انتخاب اسرائیل از بین همه ملت‌ها بود. آیا انجام این کار از جانب خدا منصفانه است؟ خدا موظف بود هیچ ملتی را انتخاب نکند.

علاوه بر این، در نهایت، نقشه او در انتخاب یکی از آنها، آوردن نجات به جهان بود. حال، اسرائیل قرار بود نوری برای غیریهودیان باشد، نوری بهتر از آنچه بود. و بنابراین، ما فقط در عهد عتیق اشاراتی به برخی از مصریان داریم که با اسرائیل از خروج بیرون آمدند.

از یونس که با اکراه به نینوا رفت. از راحاب و خانواده‌اش در زمان نابودی اریحا. فقط اشاراتی به این قبیل چیزها.

اما اشعیا پیشگویی می‌کند، و کتاب اعمال رسولان نقشه خدا را برای مسیح و قومش که نوری برای ملت‌ها باشند، به انجام می‌رساند. در عهد جدید، اسرائیل جدید، عیسی، و سپس دوازده شاگرد او، بدون هیچ تصادفی، دوازده نفر، جایگزین دوازده قبیله می‌شوند، و کلیسای مسیحی، اسرائیل جدید، اسرائیل خدا. غلاطیان ۶، انجیل را به تمام جهان می‌آورد. رومیان ۸ یکی دیگر از متون بزرگ انتخاب است.

و من فقط باید قبل از اینکه مدام به عقب برگردم و الهیات را از آنها استخراج کنم، تا حدودی با زمینه این متون عالی کار کنم. رومیان ۸، ۱۸ تا ۳۹، قوی‌ترین متن کتاب مقدس، بدون استثنا، در مورد حفظ مقدسین توسط خدا است. ما بعداً در این سخنرانی‌ها برای آموزه حفظ یا امنیت ابدی به آن متن مراجعه خواهیم کرد.

فعالاً می‌خواهیم رومیان ۸:۲۸ تا ۳۰ را بررسی کنیم. می‌دانیم که برای کسانی که خدا را دوست دارند، همه چیز برای خیریت آنها با هم در کار است. برای کسانی که طبق هدف او فراخوانده شده‌اند.

زیرا آنان را که از قبل شناخت، ایشان را نیز از پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند تا او، نخست‌زاده از برادران بسیار باشد. و آنان را که از پیش معین فرمود، ایشان را نیز خواند. آنان را که خواند، ایشان را نیز عادل شمرد.

کسانی را که او عادل شمرد، او همچنین جلال داد. 8:28 به درستی مشهور است. ما می‌دانیم که برای کسانی که خدا را دوست دارند، همه چیز برای خیریت با هم در کار است.

منظور از همه چیز در متن، آزمایش‌ها، رنج‌ها و مبارزات کنونی در آیات قبل است. آیه ۱۸، من معتقدم که رنج‌های زمان حاضر با جلالی که برای ما آشکار خواهد شد، قابل مقایسه نیست. ما می‌دانیم که برای کسانی که خدا را دوست دارند، همه چیز برای خیریت با هم در کار هستند.

برای کسانی که طبق هدف او فراخوانده شده‌اند. آیه ۲۹، باب ۴، با این حرف ربط برای، گار، شروع می‌شود که در اینجا سببی است. چگونه ۲۹ و ۳۰ نشان می‌دهند که همه چیز برای خیریت با هم در کار است؟ پاسخ چیزی شبیه به این است.

ما اطمینان داریم که خداوند همه چیز را برای خیریت قوم خود، کسانی که او را دوست دارند، به کار می‌گیرد. زیرا او از ابتدا تا انتها بزرگترین خیر را برای آنها به کار گرفته است. بزرگترین خیر قابل تصور، نجات آنهاست.

و در اینجا به طور خاص، خدا خالق پنج فعل گذشته در زمان نامشخص یا ماضی است. خدا از پیش می‌دانست، مقدر کرد، فراخواند، توجیه کرد و جلال داد. خدا فاعل، خالق است.

، این پنج فعل هر کدام به معنای نجات یافته هستند. او، اما تفاوت‌های ظریفی بین آنها وجود دارد. مطمئناً از پیش شناخته شده «با» جلال یافته «تفاوت است».

اگرچه همه آنها از نجات صحبت می‌کنند، و مفعول این افعال چیست؟ کسی که او از پیش می‌دانست، تا انتها ادامه می‌یابد. این همان مفعول است.

هر که را از پیش می‌شناخت، از پیش نیز مقدر فرمود. هر که را از پیش مقدر فرمود، او نیز فراخواند. آرایه ادبی که برای این نام به کار رفته را فراموش کردم.

جودی گاندی ولف، همسر میروسلاو ولف. کتاب «پاول و پشتکار»، کتابی فوق‌العاده خوب در مورد پشتکار. این ویژگی زبان را که در آن به عقب و سپس به جلو می‌رود، برجسته می‌کند.

به این ترتیب، کسانی که او از پیش مقدر کرده بود، به عقب برمی‌گردند. اینان، که او نیز فراخوانده بود، به جلو می‌روند.

کسانی که او آنها را فراخواند، برمی‌گردند. اینها نیز یک پیوند ایجاد می‌کنند. پیوریتن‌ها آن را زنجیره طلایی می‌نامیدند و این واقعاً خیلی بد نیست.

. خیلی شبیه به اینه. یه جور آرایه کلامی هست که بهش میگن اوج. اوج، همین

. بلاس دو برونر و فانک، ما این را تأیید خواهیم کرد. دستور زبان استاندارد یونانی، بلاس دو برونر و فانک. اوج، برمی‌گردد و می‌گیرد و جلو می‌رود.

چیزی که نشان می‌دهد، پیوستگی فاعلی است که درباره‌اش صحبت می‌شود. یا مفعولی که درباره‌اش صحبت می‌شود. در اینجا، خدا قوم خود را به فعل تبدیل می‌کند.

خدا، و نه فقط فعل، قوم خود را به فعل درآورد. خدا قوم خود را از پیش می‌دانست، مقدر می‌کرد، فرا می‌خواند، توجیه می‌کرد و جلال می‌داد. خدا خالق هر فعل است.

همه آنها به زمان گذشته هستند. به طرز شگفت انگیزی، جلال یافته، که مطمئناً آینده برای رومیان هنگام دریافت این نامه است، نیز به زمان گذشته آمده است. همانطور که گفتم، این قوی ترین متن در مورد حفظ و نگهداری است.

چرا این را می‌گوییم؟ به خاطر شواهدی از این دست. اما در عین حال، کل متن، تأملی مداوم در مورد حفظ و نگهداری است. به همین دلیل است که اینقدر قدرتمند است.

این فقط یک آیه نیست که آن را تعلیم می‌دهد، که خوب می‌شد. کل متن از چهار استدلال مختلف استفاده می‌کند. مورد اول، نقشه خداست.

کسانی را که خدا از پیش می‌دانست، از پیش مقدر کرد. آنها، ببخشید، او از پیش می‌دانست، او جلال داد. جلال آنها آنقدر قطعی است که خدا می‌تواند آن را در زمان گذشته ساده، همراه با افعال دیگر، قرار دهد.

از پیش می‌دانستم، آیا این با مفهوم ارمنی که خدا ایمان آنها را از پیش می‌دانست، مطابقت ندارد؟ نه، زیرا برای هر فعل، فاعل خدا و قوم خدا مفعول هستند. یعنی روابط معنایی بین خدا به عنوان دانا و قوم او به عنوان شناخته شده وجود دارد. پیشینه این متن ماست، جایی که خدا می‌گوید اسرائیل را از بین تمام ملت‌های روی زمین شناخت.

یک بیت خوب از عاموس را گم کرده‌ام. ببخشید. من فقط تو را از بین تمام ملت‌های روی زمین شناخته‌ام.

آیا خدا دیگری را نمی‌شناخت؟ بله، او می‌دانست. از نظر فکری، از نظر شناخت، او می‌دانست، اما عشق خود را به همه آنها معطوف نکرد. او، او به نوعی لطف عمومی، به آنها باران و آفتاب و برکت و نعمت زندگی خانوادگی و غیره را بخشید.

اما او با آنها پیمان نبست و آنها را مانند کاری که با اسرائیل کرد، نجات نداد. بنابراین، همانطور که بعداً خواهیم دید، خدا قوم خود را از پیش دوست داشت. کسانی را که او از پیش دوست داشت، از پیش مقدر کرد، برای نجات برگزید.

کسانی را که از پیش مقدر کرده بود، فراخوانده بود، و از طریق موعظه انجیل، عملاً به سوی خود فراخوانده بود. کسانی را که عادل شمرده بود، بر اساس عدالت مسیح، در نظر خدا و مردم عادل اعلام کرده بود. و کسانی را که عادل شمرده بود، جلال بخشیده بود.

جلال آینده‌ی ایمانداران که در آن جلال مسیح را خواهند دید. آنها در آن شرکت خواهند کرد و توسط آن تغییر خواهند یافت، دگرگون خواهند شد. آیا می‌فهمم در مورد چه چیزی صحبت می‌کنم؟ به سختی.

حتی درک کامل آن بسیار شگفت‌انگیز است. اما ما جلال خدا را بدون نابودی خواهیم دید. ما در جلال آینده شریک خواهیم شد و به انسان‌های جلال‌یافته با بدن‌های جلال‌یافته تبدیل خواهیم شد و برای زندگی ابدی در زمین جدید با تمام قوم خدا آماده خواهیم شد.

بگذارید تا الان به رومیان ۹ پردازم. ما باید از این قسمت‌ها و زمینه آنها آگاه باشیم تا بتوانیم الهیات را از آنها استخراج کنیم. رومیان ۹ متن کلاسیکوس، متن کلاسیک برای آموزه برگزیدگی یا تقدیر ازلی است.

این مناسبت برای رومیان مهم از آب درآمد. طبق اعمال رسولان ۲، زائران در پنطیکاست شامل یهودیان رومی نیز می‌شدند. بسیاری از آنها نیز نجات یافتند، زیرا انجیل را که به طور ماوراءالطبیعه به زبان خودشان موعظه می‌شد، شنیدند و انجیل را به ارمغان آوردند.

مانند هر کلیسای مسیحی دیگر در ابتدا، بدون شک این کلیسای یک کلیسای مسیحی عبری در روم بود. با این حال، به مرور زمان، غیریهودیان ایمان آوردند و تعداد آنها در کلیسای خودشان از یهودیان بیشتر شد. و این باعث ایجاد مشکل شد، طبق رومیان فصل ۱۴.

پولس در واقع مؤمنان یهودی را به سزای اعمالشان می‌رساند. خب، غیریهودیان و مؤمنان یهودی نیز به سزای اعمالشان می‌رسند. مؤمنان غیریهودی، به خصوص به این دلیل که او رسول غیریهودیان است و غیریهودیان غالب هستند، و آنها بی‌ملاحظه بودند، صفت مناسبی برای برادران یهودی آنهاست.

آنها جمعه شب از کباب میگو و وینی خود لذت می‌بردند و مسیحیان یهودی را رسوا می‌کردند. پولس می‌گوید می‌توانید هر چقدر می‌خواهید میگو و هات داگ و بیکن بخورید، اما این کار را جلوی برادرانتان انجام ندهید و جمعه شب‌ها هم علناً این کار را نکنید. این کار را خصوصی انجام دهید.

و آنها نه تنها یکشنبه‌ها خداوند را می‌پرستیدند، بلکه فقط یکشنبه‌ها خداوند را می‌پرستیدند. آنها هیچ احترامی برای یهودیانی که روز سبت یهودی، ماه نو و سایر اعیاد یهودی، عید فصح و غیره را رعایت می‌کردند، قائل نبودند.

پولس می‌گوید که غیریهودیان به درستی مجبور نبودند در آن امور شرکت کنند، اما آنها باید نسبت به برادران یهودی خود که از قضا برادران ضعیف‌تر بودند، احترام بیشتری می‌گذاشتند. بنابراین، ما بهتر می‌فهمیم که چرا در این کتاب، با شروع از عبارت موضوعی در فصل ۱، آیات ۱۶ و ۱۷، پولس بارها به یهودی و یونانی می‌گوید که پولس در تلاش است تا شفا دهد. اوه، او اهداف متعددی برای رومیان دارد، و معلوم می‌شود که این یک رساله سیستماتیک است، اما یک رساله سیستماتیک زمینه‌مند است.

اوه، این معرفی او به کلیسای روم است، جایی که قبلاً به آنجا نرفته بود. این نشان‌دهنده اشتیاق او برای آمدن و دیدار با آنهاست. او می‌خواهد برایشان هدیه‌ای معنوی بیاورد.

او به طور سیستماتیک، مانند هر جای دیگری در نوشته‌هایش، بسیاری از آموزه‌های مهم مسیحی را بیان می‌کند. اما او همچنین در تلاش است تا کلیسای روم را که به دلیل اختلافات قومی از هم پاشیده است، التیام بخشد. آیه ۱۰ از رومیان ۱۴)

چرا برادرت را قضاوت می‌کنی؟ چرا برادرت را تحقیر می‌کنی؟ بنابراین، ۱۳:۱۴، بیایید دیگر یکدیگر را قضاوت نکنیم، بلکه تصمیم بگیریم که هرگز مانع یا مانعی بر سر راه برادرمان قرار ندهیم. شما نمی‌خواهید عید فصح را جشن بگیرید. این به خودتان مربوط است، اما در مورد این موضوع در مقابل برادران مسیحی یهودی خود در کلیسایان معامله نکنید.

این اشتباه است. تو داری روی آنها گیر می‌کنی. و تو می‌توانی هر چه می‌خواهی، هر وقت که می‌خواهی بخوری.

عیسی همه غذاها را پاک اعلام کرد. اما برادران خود را رسوا نکنید. آیه ۲۰ (به خاطر غذا، کار خدا را خراب نکنید).

در واقع، همه چیز پاک است. و اگر مسیحیان یهودی هنوز می‌خواهند قوانین کوشر را رعایت کنند، این به خودشان مربوط است. اما اشتباه است که کسی با خوردن چیزی، دیگری را به لغزش بیندازد.

اگر مجبور به انجام کاری باشید و باعث لغزش دیگر ایمانداران شوید، این آزادی مسیحی نیست. من عاشق رومیان ۱۵:۱۷ هستم. این یکی از... این آیه برای من بسیار مهم است.

رومیان ۱۵:۵ تا ۷. آیا گفتم ۱۷؟ ببخشید، ۵ تا... باشد که خدای بردباری، رومیان ۱۵:۵، و دلگرمی، به شما عطا فرماید تا در روم، یهودیان و غیریهودیان، مطابق با مسیح عیسی، با یکدیگر در هماهنگی زندگی کنید. تا با هم، یکصدا، خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح را ستایش کنید. پس، همانطور که مسیح شما را برای جلال خدا پذیرفته است، از یکدیگر استقبال کنید.

ممکن است شما اعتقادات الهیاتی قوی داشته باشید. باید برای شما کاملاً واضح باشد که من هم همینطور هستم. اما یکی از این اعتقادات، آموزه وحدت کلیسا است.

افسیان ۴، یک کلیسا وجود دارد، و ما باید این وحدت را حفظ کنیم. یکی از این اعتقادات، آموزه عشق است. مؤمنان باید یکدیگر را دوست داشته باشند و بپذیرند، رومیان ۱۵:۷، همانطور که مسیح ما را پذیرفت.

بنابراین، بله، اعتقادات قوی الهیاتی خود را به طور متناسب حفظ کنید. بعضی چیزها از چیزهای دیگر مهم‌ترند. و اگر من نتوانم دست راست رفاقت را به یک هم‌ایمان بدهم، حتی اگر در مورد چیزهای جزئی اختلاف نظر داشته باشیم، حتی اگر در مورد چیزهایی که به قلبم نزدیک هستند اما انجیل و مهمترین چیزها نیستند اختلاف نظر داشته باشیم، پس چیزی در من اشتباه است و آموزه من آنطور که دوست دارم فکر کنم خالص نیست، زیرا کتاب مقدس آموزه‌ای در مورد عشق، رفاقت، صلح، وحدت با سایر مؤمنان و غیره دارد.

خدای من، من کتاب‌هایی در دفاع از کالوینیسم می‌نویسم، اما هدفم این است که با کسانی که با آنها مخالفم، کسانی که خداوند را می‌شناسند، به عنوان مؤمنان به مسیح رفتار کنم و آنها را دوست داشته باشم. در هر صورت، مسیحیان یهودی، به جز پنطیکاست، به موقع به روم بازگشتند و یک کلیسای مسیحی عبری تأسیس کردند. به آنها اعتبار دهید، آنها مؤمنان غیریهودی را پذیرفتند، و این برای آنها سخت بود زیرا این افراد راه‌های بسیار متفاوتی داشتند.

منظورم این است که آنها بت‌پرست بودند. این سخت است. می‌بینید آن مردم چه می‌خورند؟ و غیره.

آنها شبیه ما نیستند. منظورم این است که چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ این سخت است. هی، آنها عیسی را می‌شناسند. آنها بخشی از ما هستند. اما با گذشت زمان، تعداد آنها از یهودیان بیشتر شد، بنابراین در رومیان، پولس می‌توانست بگوید، به شما غیریهودیان می‌نویسم، این یک کلیسای مسیحی عمدتاً غیریهودی است، ۱۱، با تعدادی یهودی.

کلیسای آنها چه بود که حالا تبدیل به یک کلیسا شده است، و آنها یک اقلیت هستند، یهودیان. و بنابراین آیا مسیحیان یهودی حق اعتراض دارند؟ یک سوال مشروع. آنها با احترام از خدا می‌پرسند، رومیان ۹: ۶ این را منعکس می‌کند.

پروردگارا، خدای من، اسرائیل زمانی تنها قوم خدا بود. و ما به عیسی ایمان آورده‌ایم و خوشحالیم، اما آیا کلام خدا به اسرائیل شکست خورده است؟ پروردگارا، با احترام از تو می‌خواهیم. به هر حال، این در قلب آنهاست.

و در آیات ۹:۱ تا ۵، پولس برکات بزرگ قوم بنی اسرائیل بودن را گرامی می‌دارد. در آیه ۵، به آنها، پدران قوم، تعلق دارند. خدا به ابراهیم، اسحاق و یعقوب، غیریهودیان، چنین عطایی نداد.

و از نژاد آنها، نژاد یهود، از نسل خون ابراهیم و سارا، هر چقدر هم که معجزه آسا بود، بر اساس جسم مسیح، موعود، مسیح موعود است، که خدای او برتر از همه، تا ابد متبارک باد، آمین. اما اینطور نیست که کلام خدا شکست خورده باشد. من سعی می‌کنم این زمینه را از نظر تاریخی تنظیم کنم زیرا مهم است.

و به ما کمک می‌کند تا رومیان ۹، ۱۰ و ۱۱ را درک کنیم، که برای درک، خوب، خیلی چیزهای دیگر خیلی مهم هستند. بگذارید به این سوال پاسخ دهم. یا بگذارید عبارت پولس را توضیح دهم.

زیرا او سه پاسخ متفاوت می‌دهد، که بدیهی است. ESV. اینطور نیست که کلام خدا شکست خورده باشد. پاسخ‌های مکمل یکدیگرند.

این کلام خدا در رومیان ۹، ۱۰ و ۱۱ است. به طور خلاصه، کلام خدا شکست نخورده است، رومیان ۹. خدا آن یهودیانی را که او با اقتدار برای نجات انتخاب کرده بود، نجات داد. خوب، این مسئولیت انسان را از بین می‌برد، درست است؟ مهم نیست چه کاری انجام می‌دهیم، درست است؟ اشتباه است.

فصل ۱۰. کلام خدا شکست نخورد. اسرائیل بی‌ایمان دقیقاً به سزای بی‌ایمانی‌اش رسید.

خداوند به حق آنها را به خاطر انکار خداوند عیسی مسیح مسئول می‌داند. وای. وای.

آیا منظورتان این است که این حقایق به نوعی مکمل یکدیگر هستند؟ بله. آیا نظمی در آنها وجود ندارد؟ بله، نظمی در آنها وجود دارد. خدا خداست.

خدا اول است. اما حاکمیت مطلق خدا اینطور نیست. خدای من.

هیچ چیز نمی‌تواند از حاکمیت مطلق قوی‌تر باشد. آیا سازنده حق ندارد هر نوع ظرفی را که می‌خواهد بسازد؟ تو که هستی که به خدا جواب پس بدهی، پیرمرد؟ وای. خدای من.

این خیلی قوی است. اما مسئولیت واقعی انسان را تضعیف نمی‌کند. همانطور که جان فریم در کتاب برجسته الهیات سیستماتیک خود به ما یادآوری می‌کند، بدیهی است که از نظر کتاب مقدس، پاسخگویی و مسئولیت همیشه مستلزم توانایی نیست.

این کتابی است که پولس در آن گناه نخستین را تعلیم می‌دهد. جهان در گناه نخستین آدم محکوم شده است، رومیان ۵، آیات ۱۲ تا ۱۹. این کتابی است که در آن پولس، قبل از اینکه به فیض و حاکمیت و تقدیر ازلی برسد، افسوس که همینجا در فصل ۹، ۱:۱۸ تا ۳:۲۰ آمده است.

جهان به خاطر گناهانش در برابر خدا به زانو درآمده است. کلام خدا شکست نخورد، رومیان ۹. خدا با اقتدار هر کسی را که می‌خواهد نجات دهد، یهودی و غیر یهودی، انتخاب کرد. کلام خدا شکست نخورد، باب ۹ اسرائیل بی‌ایمان دقیقاً به همان چیزی رسید که به خاطر بی‌ایمانی‌اش سزاوارش بود.

کلام خدا شکست نخورد، باب ۱۱. کار خدا هنوز با قوم اسرائیل تمام نشده است. از آنجا که عطایا و دعوت خدا برگشت‌ناپذیر است، او آنها را پس نمی‌گیرد.

اوه، این مشکل ساز است. مشکل ساز است. چون اسرائیل، اسرائیل قرن اول و ادامه آن، در رابطه ای غیرعادی با خدا قرار دارد، رومیان ۱۱:۲۸

از نظر انجیل، بنی اسرائیل به خاطر شما غیریهودییانی که انجیل به شما رسیده است، دشمنان خدا هستند. از نظر برگزیدگی، آنها محبوب خدا هستند. وای، وای، وای، یک لحظه صبر کنید

آنها دشمن هستند، و آنها محبوب؟ دقیقاً. رومیان ۱۱:۲۸. در مورد انجیل، یهودیان به خاطر شما، ای غیریهودیان، دشمن هستند.

در مورد برگزیدگی، آنها به خاطر اجدادشان محبوب هستند. زیرا، به عنوان توضیحی دیگر، هدایا و دعوت خدا غیرقابل فسخ است. آیا این آینده ای را برای ملت اسرائیل تضمین می کند؟ افراد خوب مخالفند

فکر نمی کنم لزوماً اینطور باشد. فکر می کنم این تضمین می کند که خدا بسیاری از بنی اسرائیل را بر اساس جسم نجات خواهد داد. منظور از اسرائیل همان چیزی است که در رومیان ۹-۱۱ آمده است

نوادگان خونی ابراهیم و سارا. از قوم بنی اسرائیل. پس آیا هنوز آینده ای برای اسرائیل وجود دارد؟ من معتقدم که همینطور است.

و از جنبه ای دیگر، از قلمرو آخرالزمان، یکی از نتیجه گیری های من این است که هر مضمون اصلی چیزهای آخر، پیشاپیش وجود دارد و هنوز نه. این مضمون تا حدی اکنون تحقق می یابد و در پایان، به طور کامل، به سوی پایان، محقق می شود.

در مورد زمان آخرالزمان، آمدن دوم و رویداد پیرامون آن، و رویدادهای همزمان. این موضوع چگونه در مورد این موضوع صدق می کند، و بنابراین همه اسرائیل نجات خواهند یافت؟ در رومیان 11:26، همه اسرائیل نجات خواهند یافت.

نحوه ای اعمال آن به این صورت است. برداشت من این است که تمام اسرائیل نجات خواهد یافت. من باید این کار را در چارچوب [موضوع] انجام دهم.

مبادا خود را عاقل ببندارید، ۱۱:۲۵. ای برادران، نمی خواهم از این راز بی خبر باشید. تا زمانی که تمامیت امت ها فرا نرسد، سختدلی نسبی بر اسرائیل مستولی شده است.

و به این ترتیب، تمام اسرائیل نجات خواهد یافت. من آن را به معنای قوم بنی اسرائیل، نوادگان ابراهیم و سارا می دانم. و این مانند هر مضمون آخرالزمانی دیگری است، چه از قبل و چه نه هنوز.

یعنی، یهودیان در فاصله بین آمدن مسیح نجات می یابند. اما من فکر می کنم که در حوالی زمان بازگشت مسیح، یا به عبارت دیگر، روزهای آخر، تعداد زیادی از مؤمنان یهودی به دست خواهند آمد.

بنابراین، به طور خلاصه، قبل از اینکه واقعاً به آموزه برگزیدگی برگردیم، فکر می کنم این مهم است. رومیان ۹ و ۱۱ به همین مشکل می پردازند. آیا وعده های خدا به اسرائیل به حاشیه رانده شده اند؟ البته که نه. ۱۰

این امر بازتاب بدی در مورد خود خداوند متعال خواهد داشت. نه، وعده های خدا شکست نخورده اند. و کوزه گر الهی دقیقاً همان کسی را که می خواست نجات دهد، نجات داده است.

به ویژه در میان یهودیان، و همچنین در میان غیریهودیان. طبق فصل ۹. خیر، وعده‌های خدا به شکست نینجامیده‌اند. و درست همانطور که در کل داستان عهد عتیق، در عیسی و انجیل‌ها، و در کتاب اعمال رسولان نیز چنین است.

در اینجا، اسرائیل به خاطر بی‌ایمانی‌اش سزاوار مجازات است. او در پی عدالت بود. اما این کار را نه با ایمان، بلکه با شریعت انجام داد.

و مسیح پایان شریعتی برای پارسایی هر کسی است که ایمان آورد. اما اسرائیل برای خدا غیرت داشت، اما نه بر اساس دانش. و روی هم رفته، آنها مسیح خود را رد کردند.

و آنها آنچه را که برای آن بی‌ایمانی کاشته بودند، درو کردند. خداوند آنها را مسئول می‌داند. این همان سازگاری الهیاتی است.

حاکمیت مطلق الهی، رومیان ۹. مسئولیت واقعی انسانی، رومیان ۱۰. هر دو درست هستند. یک نظم وجود دارد.

خدا اول است. مسئولیت ما دوم است. و من آنها را در تنش نگه می‌دارم زیرا کتاب مقدس اینگونه عمل می‌کند.

آیا وعده خدا به اسرائیل شکست خورده است؟ شماره فصل ۱۱. او اکنون اسرائیلیانی را که ایمان آورده‌اند نجات می‌دهد.

و او این کار را خواهد کرد زیرا موهبت‌ها و رسالت او غیرقابل فسخ هستند. او از آنها دست برنمی‌دارد.

او هنوز بسیاری از بنی‌اسرائیل را به رستگاری خواهد رساند. در این چارچوب، فصل ۹، باید کمی با جریان فکری کار کنم زیرا قدرتمند است.

اینطور نیست که کلام خدا باطل شده باشد، ۹:۶. زیرا همه کسانی که از نسل اسرائیل هستند، به اسرائیل تعلق ندارند. همه آنها فرزندان ابراهیم نیستند، زیرا از نسل او هستند.

اما نسل تو از طریق اسحاق نامیده خواهد شد. این یعنی فرزندان جسمانی فرزندان خدا نیستند، بلکه فرزندان وعده از نسل خدا محسوب می‌شوند. آه! آیا این با سیستم آرمینیوسی مطابقت ندارد؟ خدا وعده را از پیش پیش‌بینی می‌کند.

گاهی اوقات، کلمه وعده در عهد جدید به معنای انجیل است، درست است؟ درست است. بنابراین، آیا اینجا منظور این است که خدا وعده را داده است، و خدا کسانی را که به وعده ایمان می‌آورند، از پیش می‌داند و آنها را انتخاب می‌کند؟ خیر. سطر بعدی نشان می‌دهد که منظور او از وعده چیست.

این وعده است. این همان چیزی است که وعده در مورد همین موقع در سال آینده گفته بود. من برمی‌گردم و سارا پسری خواهد داشت. این وعده یک فرمان الهی است.

کلامی از جانب خدا که با وجود خندیدن سارا به خدا، به حقیقت پیوست. آه، خدا حرف آخر را زد و نام بچه را اسحاق گذاشت. او خندید.

خدا مهربان است، مگر نه؟ نه تنها چنین است، بلکه وقتی ربکا از یک مرد، یعنی جد ما اسحاق، فرزندان را باردار شد، اگرچه آنها هنوز متولد نشده بودند و هیچ کار خوب یا بدی انجام نداده بودند، برای اینکه وعده خدا مبنی بر برگزیدگی ادامه یابد، نه به خاطر اعمال، بلکه به خاطر او که فرامی‌خواند، به او گفته شد که بزرگتر، کوچکتر را خدمت خواهد کرد. همانطور که نوشته شده است، یعقوب، من تو را دوست دارم، پس از آن متنفرم. کاری که پولس انجام می‌دهد این است که مروری کوتاه بر جنبه‌های مهم تاریخ رستگاری ارائه می‌دهد، و نکته او این است که خدا به طور مستقل هر طور که بخواهد عمل می‌کند.

وعده او به اسرائیل شکست نخورد. او دو نفر را که از نظر فرزندآوری تقریباً مرده بودند، گرفت و از آنها اسحاق را به دنیا آورد. او وعده حاکمیت خدا را با اقتدار کامل محقق کرد.

علاوه بر این، در نسل بعدی، قبل از تولد یعقوب و اسحاق، خدا با اقتدار فرمود: «من این یکی را انتخاب خواهم کرد و آن یکی را نه.» پولس به طور خاص می‌گوید، تا هدف خدا در انتخاب پابرجا بماند. پولس اعتراضات انسانی را پیش‌بینی می‌کند.

آیه ۱۴، پس چه بگوییم؟ آیا بی‌عدالتی در حق خدا وجود دارد؟ چطور می‌تواند یکی را قبل از تولد انتخاب کند و دیگری را نه؟ پاسخ: به هیچ وجه. شما حق الهی را درک نمی‌کنید. این در کتاب خروج آمده است، زیرا او به موسی می‌گوید، به هر که رحم کنم، رحم خواهم کرد و به هر که شفقت کنم، شفقت خواهم نمود.

اینجا جایی برای نمایش است. من قصد دارم اردک‌هایم را ردیف کنم. رومیان ۹، رومیان ۹، ۱۵.

بله، ضمایر مفرد هستند. در اینجا یک مثال آورده شده است. درست است که بیشتر مخاطبان کتاب مقدس کلیساها هستند، بنابراین واژه «برگزیده شدن» جمع است.

اما در اینجا، به هر که رحم کنم، رحم خواهم کرد و به هر که شفقت کنم، شفقت خواهم ورزید. اینها ضمایر مفرد است whom هر بار مفرد است.

بنابراین، این نه به اراده یا تلاش انسان، بلکه به خدایی که رحم دارد بستگی دارد. به طور خاص، اراده انسان کنار گذاشته می‌شود. من فکر می‌کردم خدا ما را بر اساس استفاده ما از اراده‌مان برای ایمان به او انتخاب کرده است، نه، نه، نه.

رستگاری به اراده یا تلاش انسان بستگی ندارد. به معنای واقعی کلمه، می‌گوید که چنین نیست. بنابراین رستگاری نه از آن کسی است که می‌خواهد و نه از آن کسی است که می‌دود، بلکه از آن رحمتی است که خدا نشان می‌دهد، بلکه از آن خدایی است که رحمت نشان می‌دهد. خواستن به اندازه کافی واضح است.

این از اراده‌ی انسان نیست، از عمل انسان نیست، از اعمال اراده‌ی انسان نیست. کسی که می‌دود استعاره‌ای برای اعمال عمل است. من ۷۳ سال دارم. قبلاً آهسته می‌دویدم. قبلاً آهسته می‌دویدم. حالا راه می‌روم. من به آن سریع می‌گویم. شما ممکن است به آن سریع نگوید.

اگر شما از آن دسته جوانانی هستید که خیلی از شماها اهلش هستید، فکر می‌کنم خیلی از شماها هستید. اما حدس بزنید چی شد؟ من عاشقشم. حس خوبی داره.

این باعث میشه ادامه بدم. و با این حال، حداقل برای این مرد مسن‌تر، نوعی تلاش و کوشش محسوب میشه. اینکه اونی که اراده می‌کنه چی کار می‌کنه، به اندازه کافی واضح نیست.

نه رستگاری مسئله اراده انسان است و نه دويدن انسان، يعنى نشان دادن، به کار بردن انرژی انسان، تلاش کردن، بلکه رستگاری از جانب خدای است که رحمت خود را نشان می‌دهد زیرا ما به آن نیاز داریم. سپس پولس به صحنه دیگری در تاریخ رستگاری می‌رود، جایی که فرعون و بنی‌اسرائیل در بندگی هستند. خداوند به فرعون می‌گوید، برای همین منظور تو را برانگیختم تا قدرت خود را در تو نشان دهم و نام من در تمام زمین اعلام شود.

خب، پس خدا به چه کسی رحم کند؟ مطمئنم که هنوز مفرد است، اما گاهی اوقات اشتباه کرده‌ام و نمی‌خواهم این کار را بکنم. آیه ۱۸ است. دوباره مفرد.

چه کسی و چه کسی؟ او به هر که بخواهد رحم می‌کند و هر که را بخواهد سنگدل می‌سازد. گاهی اوقات گزینش، گزینش افراد است.

خدا رحم می‌کند. در واقع، اینجا یک پیشرفت وجود دارد. بالاتر از آن این بود که او نسبت به هر که می‌خواست رحم و شفقت داشت.

حالا این یک مثبت و یک منفی است. او به هر که بخواهد رحم می‌کند و هر که را بخواهد سنگدل می‌سازد. تأکید اینجا بر اراده انسان نیست، به طور خاص انکار می‌کند که این انسان است که اراده می‌کند، بلکه بر اختیار الهی است.

خدا، پروردگار است. در این زمینه، خداوند نجات می‌دهد. و باز هم، قدرت سیستماتیک یعنی اینکه روی چیزی تمرکز کند.

این کتاب روی نقاط ضعف تمرکز دارد. شما می‌توانید به راحتی از رومیان ۹ یک کالونیست افراطی باشید. اما این کار را نکنید! این کتاب در میان کتابی است که انجیل را ستایش می‌کند. خدای من.

هدف کلی، رومیان ۱:۱۶، ۱۷، این است که موضوع کتاب، انجیل است. رومیان ۱۰، هر که به خداوند ایمان آورد نجات خواهد یافت - یک متن مفصل در مورد انجیل در رومیان ۱۰، ضرورت موعظه و غیره.

پس یک کالونیست افراطی نشو. لطفاً، فقط یک کالونیست متعادل باش. همین.

بنابراین، و باز هم، من هر دو آیه ۱۴ و ۱۹ را دوست دارم. آنها به من نشان می‌دهند که برداشت من اساساً درست است، زیرا این اعتراضات را مطرح می‌کنند. خدا به هر که بخواهد رحم می‌کند و هر که را بخواهد سنگدل می‌سازد.

یه لحظه صبر کن! وای! یعنی منظورت اینه؟ این ایراد دقیقاً در اون متن منطقی به نظر می‌رسه. پس از من می‌پرسی چرا هنوز ایراد می‌گیری. کی می‌تونه در مقابل اراده‌ی اون مقاومت کنه؟ این یه ایراد زیباست که نشون می‌ده ما اون رو درست فهمیدیم. این آیه می‌خواد به شدت بر حق ویژه‌ی الهی در این موارد تأکید کنه.

ای انسان، تو کی هستی که به خدا جواب پس می‌دهی؟ پولس می‌گوید، بنشین و خفه شو. تو حق نداری... اوه، اگر من خدا بودم،... پسر، من نمی‌توانم تحمل کنم وقتی کسی این حرف را می‌زند. اوه، ما فکر می‌کنیم کی هستیم؟ مطمئناً، ما باید سر جای خودمان قرار بگیریم.

ما به خدا نمی‌گوییم چه کار کند. مهم نیست اگر ما بودیم چه کار می‌کردیم... خدای من. ما مخلوقات هستیم، مخلوقات سقوط کرده.

اگر ما نجات یافته‌ایم، به لطف خداست. آیا آنچه ریخته شده به سازنده‌اش خواهد گفت، چرا مرا به این شکل ساخته‌ای؟ آیا کوزه‌گر حق ندارد؟ او مدام از این سؤالات بلاغی استفاده می‌کند. در مورد پاسخ‌ها شکی نیست.

او از حروف اضافه یونانی استفاده می‌کند که نشان‌دهنده پاسخ‌های مثبت است. آیا کوزه‌گر حق ندارد از یک توده خاک، ظرفی برای استفاده محترمانه و ظرفی دیگر برای استفاده غیرمحترمانه بسازد؟ او این حق را دارد، مگر نه، که در حرف اضافه منفی به آن اشاره شده است. بنابراین، خداوند اراده خود را با ابراهیم و سارا، یعقوب و عیسی به طور کامل نشان داد.

خدا با اقتدار اراده‌اش را با فرعون و بنی‌اسرائیل نشان داد. خدا با اقتدار نشان می‌دهد... حالا واقعاً به جزئیات می‌پردازیم. او، او قبلاً در مورد آن صحبت می‌کرد تا هدف خدا و برگزیدگی محقق شود.

اما حالا، صریحاً، صریحاً چه می‌شود اگر خدا، که می‌خواهد خشم خود را نشان دهد و قدرت خود را آشکار سازد، با صبر فراوان ظروف غضب را که برای هلاکت آماده شده‌اند، تحمل کرده باشد تا ثروت جلال خود را برای ظروف رحمت که از قبل برای جلال آماده کرده است، آشکار سازد؟ وای، او، این فقط یک فرض است.

فقط می‌گوید، اگر او این کار را می‌کرد چه؟ خب، این دوباره یک سوال بلاغی است. و همانطور که آیه ۲۴ نشان می‌دهد، فرضی نیست. به دلیل وجود ظروف رحمت، او با انسان‌های قرن اول همذات‌پنداری می‌کند.

حتی ما، ظروف رحمت، که از پیش برای جلال آماده شده‌ایم - حتی ما را که او نه تنها از میان یهودیان، بلکه از میان غیریهودیان نیز فراخوانده است. در اینجا، پولس برگزیدگی یا تقدیر را با فراخواندگی مرتبط می‌کند.

کسانی را که خدا برگزید، از طریق انجیل به سوی خود فراخواند. این یکی از مکان‌هایی است که هنگام مطالعه فراخواندگی خواهیم دید. احتمالاً با ادامه‌ی مطالعه‌ی گزینش نیز آن را خواهیم دید.

جایی که خدا هم انتخاب خود و هم قرعه‌کشی خود را به هم پیوند می‌دهد، این روش یوحنا برای صحبت در مورد دعوت مردم به سوی خود است. دوستان من، چه بخواهید چه نخواهید، خدا، این کوزه‌گر الهی، ظروفی از خشم و ظروفی از رحمت دارد.

آیا... آیا خدا پشت سرنوشت هر انسانی ایستاده است؟ پاسخ من مبتنی بر فلسفه‌ای نیست که بخواهم به آن پایبند باشم. بلکه مبتنی بر وحی خداست. نه تنها در اینجا، بلکه موارد دیگری... یوحنا ۱۰، اول پطرس ۲ به ذهنم خطور می‌کنند.

بعداً خواهیم دید. پاسخ من بله است. او پشت افرادی است که به بهشت می‌روند.

بله. او پشت افرادی است که به جهنم می‌روند. بله.

ظروفی برای خشم وجود دارند که از قبل برای نابودی آماده شده‌اند. ظروفی برای رحمت وجود دارند که از قبل برای جلال آماده شده‌اند. آیا او در نهایت پشت هر دوی آنها می‌ایستد؟ بله.

در نهایت، آیا او به طور مساوی از آنها حمایت می‌کند؟ پاسخ من خیر است. و من به دستور زبان متوسل می‌شوم. ظروف رحمتی که او از قبل آماده کرده است.

فعل معلوم. ظروف خشم که برای نابودی آماده شده‌اند و از قبل آماده شده‌اند. این فعل مجهول است.

آیا من انکار می‌کنم که خدا هم گزینش و هم طرد را انجام می‌دهد؟ من انکار نمی‌کنم. آیا من می‌گویم که این در نهایت جمله‌ی کتاب مقدس در مورد سرنوشت هر... بله. آیا آنها برابرند؟ به همان اندازه نهایی؟ بله.

آیا آنها برابرند؟ خیر. قبل از اینکه این سخنرانی را به پایان برسانیم، برداشت خودم از این موارد را بیان می‌کنم. اگر از من بپرسید که چرا کسی نجات می‌یابد، می‌گویم فوری‌ترین... من از فوری‌ترین به نهایی‌ترین می‌روم، و همه این پاسخ‌ها کتاب مقدسی و درست هستند.

کسی نجات پیدا می‌کند چون به خداوند عیسی مسیح ایمان آورده است. درست است؟ بله. نهایی است؟ خیر.

آنها به مسیح ایمان آوردند زیرا روح القدس قلبهایشان را گشود. آیا این ایمان آنها را باطل می‌کند؟ خیر. در واقع ایمان آنها را تثبیت و تقویت می‌کند.

آیا این پاسخ نهایی است؟ خیر. مسیح مُرد و قیام کرد تا آن مردم را نجات دهد. آیا این، روح القدس را باطل می‌کند؟ خیر.

روح القدس... او مردم را وقتی انجیل را می‌شنوند روشن می‌کند. آیا ایمان آنها را روشن می‌کند؟ خیر. آنها معتقدند که عیسی مرد و دوباره زنده شد.

آنها نجات یافته‌اند چون ایمان آورده‌اند. چون روح القدس عمل کرده است. چون عیسی عمل کرده است.

در نهایت، به طریقی که برای ما کاملاً قابل درک نیست، آنها نجات یافتند زیرا ظروف رحمت خدا بودند، که او پیش از خلقت جهان برای جلال آماده کرده بود. آیا این کاری را که عیسی انجام داد، نفی می‌کند؟ شوخی می‌کنید؟ عیسی آمد تا اراده پدر را انجام دهد. آیا این کاری را که روح القدس انجام داد، نفی می‌کند؟ شوخی می‌کنید؟ تثلیث در هماهنگی عمل می‌کند.

آیا آن انتخاب، ایمان ما را به یک افسانه تبدیل می‌کند؟ نه، این ایمان ما را به یک افسانه تبدیل نمی‌کند. و وقتی خدا مرا در سن ۲۱ سالگی نجات داد، می‌دانستم که همه اینها از لطف اوست. بله، من واقعاً به او ایمان داشتم.

و او زندگی مرا برای همیشه زیر و رو کرد. اما من می‌دانستم... من تمام این ماجرا را نمی‌فهمیدم. اما می‌دانستم که او در نهایت من را انتخاب کرده است.

نمی‌توانستم توضیح بدهم چرا. بیا برویم آن طرف. مردم گم شده‌اند.

چرا؟ پاسخ فوری این است... به خاطر گناهانشان. اگر گذرگاه‌های جهنم را مطالعه کنید و حرفم را باور کنید، من این کار را کرده‌ام. جهنم در حال محاکمه و جهنم زیر آتش را مقایسه کنید.

بس می‌کنم. دو منظره از جهنم. همین کافیه.

متأسفانه یا خوشبختانه، من بیش از این کار کرده‌ام. من آن قسمت‌ها را مطالعه کرده‌ام. مردم به خاطر گناهانشان به جهنم می‌روند.

آیا این نهایت کتاب مقدس است... بله، آنها باید به انجیل ایمان بیاورند تا نجات یابند. اما آنها به خاطر ایمان نیاوردن به انجیل به جهنم نمی‌روند. آنها به خاطر گناهانشان به جهنم می‌روند، چه انجیل را شنیده باشند چه نه.

هر متن جهنمی این را می‌گوید. افکار، گفتار و کردار گناه‌آلود. آیا این جمله‌ی نهایی کتاب مقدس است؟ خیر.

کتاب مقدس گناه نخستین آدم را به واضح‌ترین شکل در رومیان ۱۲: ۵-۱۹ تعلیم می‌دهد. آیا گناه نخستین آدم، گناهان واقعی من را، آنطور که ما آنها را می‌نامیم، بی‌اثر می‌کند؟ طبق گفته پولس، اینطور نیست.

رومیان ۱-۱۸-۳-۲۰، او قبل از اینکه در فصل ۵ به گناه نخستین پردازد، رساله‌ای طولانی در مورد گناهان واقعی ارائه می‌دهد. او، بی‌خیال! بدون گناه نخستین هیچ گناه واقعی وجود نخواهد داشت، درست است؟ درست است. آیا یکی دیگری را رد نمی‌کند؟ نه طبق گفته رسول. نه طبق گفته خدا.

همین برای من کافی است. من هرگز نگفتم که الهیات اسرارآمیز نیست، و ما همه پاسخ‌ها را داریم. وظیفه ما این است که سعی کنیم تا حد امکان آنچه را که خدا گفته است، بفهمیم.

با روحیه‌ای فروتن، با اذعان به اینکه همه چیز را نمی‌دانیم. کسی به خاطر گناهانش گمراه شده است. کسی به خاطر گناه آدم گمراه شده است.

در نهایت، انسان‌ها گم می‌شوند زیرا ظروف خشمی هستند که توسط کوزه‌گری مقتدر برای نابودی آماده شده‌اند. وای! آیا این درست است؟ بله. آیا این قبل از خلقت بود؟ بله.

آیا این همان انتخاب مردم برای نجات است؟ خیر، زیرا او در انتخاب مردم برای نجات، پیشگام است. اگر او ما را انتخاب نمی‌کرد، ما هرگز ایمان نمی‌آوردیم. در مورد گمشدگان، او صرفاً باید از آنها بگذرد.

آیا این تصمیمی از جانب او نیست؟ هست. این غیرقابل درک است. من آن را نمی‌فهمم.

این بر اساس تقدس و عدالت خودش است. آیا او نمی‌توانست این کار را برای همه انجام دهد؟ بله. آیا او این حقیقت را مدیون نبود؟ آیا او مدیون نبود که همه را نجات دهد؟ نه.

اما او از بسیاری گذشت، و این دلیل نهایی محکومیت آنهاست. آیا این سقوط آدم را باطل می‌کند؟ نه بر اساس پیدایش ۳. نه بر اساس بقیه عهد عتیق. نه بر اساس رومیان ۵ و بقیه عهد جدید.

آیا هیچ یک از اینها بی‌ایمانی مردم را باطل می‌کند؟ ده متن معروف مربوط به جهنم را که مجازات ابدی را آموزش می‌دهند، مطالعه کنید. اگر من یک چیز در کتاب مقدس بدانم، این را می‌دانم. این حقیقت را که انسان‌ها به خاطر گناهانشان به جهنم خواهند رفت، باطل نمی‌کند.

دفعه بعد، در سخنرانی بعدی‌مان، آن را ادامه خواهیم داد. پس از بررسی این متون عالی، الهیات سیستماتیک مبتنی بر آنها را بررسی خواهیم کرد.

این دکتر رابرت پترسون در آموزه‌هایش در مورد رستگاری است. این جلسه ۷، فرمول‌بندی‌های سیستماتیک

انتخابات، شماره ۲ است.